

سرمقاله

شهاب اسفندیاری

دانشیار گروه سینما، دانشگاه هنر ایران، تهران، ایران: s.esfandiary@art.ac.ir

در سپهر کنونی تولید علم، حوزه علوم انسانی و هنر با تناقضی مهم روبه‌رو است: از یک‌سو، پیچیدگی روزافزون تحولات و پدیده‌های نوظهور فرهنگی و ارتباطی، هرگونه تحلیل تک‌رشته‌ای را با ناکارآمدی مواجه می‌سازد؛ و از سوی دیگر، مرزهای نهاده‌شده رشته‌ها همچنان به مثابه ساختارهای قدرت‌بخش معرفتی، امکان شکل‌گیری گفتمان‌های میان‌رشته‌ای جدید را دشوار می‌کند. در چنین بافتاری، انتشار «فصلنامه علمی هنر، فرهنگ و رسانه» توسط پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی، صرفاً یک رویداد اداری یا رخدادی انتشاراتی نیست، بلکه فرصتی برای نقش‌آفرینی معرفتی در عصر کنونی دانش ایران است.

این فصلنامه فعالیت رسمی خود را از نیمه دوم سال ۱۴۰۴ خورشیدی آغاز کرده است و نقش خود را نه یک ناشر منفعل مقالات، که عاملی فعال در بازتعریف مرزهای دانش و معرفت تعریف می‌کند. دامنه موضوعی آن - شامل حوزه‌های جامعه و فرهنگ، تاریخ و فرهنگ، زبان، ادبیات و فرهنگ، سیاست و فرهنگ، دین و فرهنگ، انقلاب اسلامی و فرهنگ، اندیشه نظری و هنر، جامعه و هنر، دین و هنر، سیاست و هنر، انقلاب اسلامی و هنر، نهادهای اجتماعی و هنر، و نیز مطالعات ارتباطی و مطالعات رسانه می‌شود که نشان از رویکردی راهبردی به گستره مسائلی به هم تنیده حیات فرهنگی جامعه ایرانی دارد. این گستره، از منظری معرفت‌شناختی، بازتاب «مسائل مرکب» عصر کنونی است که حل و فصل آن‌ها نیازمند عبور از رویکردهای نظری و روشی خطی و تک‌ساحتی است.

باور نظری ما بر این است که کیفیت یک پژوهش را نباید در شاخص‌های صورتی روش‌شناختی، همچون پیچیدگی آماری یا حجم داده، منحصر کرد؛ بلکه معیار اصالت یک اثر، در قوت تبیینی، نوآوری و جسارت در مسئله‌شناسی، قدرت پیش‌بینی‌کنندگی نظری، شفافیت و صراحت تحلیلی، و مهم‌تر از آن راه‌کار به زبان سیاست‌گذاری و کنش اجتماعی خلاصه می‌شود. به عبارت دیگر، اعتبار درونی مقاله (انسجام منطقی) و اعتبار بیرونی آن (کاربست‌پذیری در بسترهای واقعی)، دو شاخص اصلی ارزیابی این نشریه به‌شمار می‌روند.

انتظار می رود هر مقاله حلقه‌ای در زنجیره نقد درون‌گفتمانی و بازتولید نقادانه معرفت باشد. این فصلنامه خود را متعهد می‌داند که بستری برای «هم‌افزایی معرفتی» میان استادان، پژوهشگران، دانشجویان تحصیلات تکمیلی و متخصصان حوزه‌های سیاست‌گذاری فرهنگی فراهم آورد؛ فضایی که در آن، تقابل آراء، نه به‌مثابه تقابل سلیقه‌ها، که به‌مثابه تقابل پارادایم‌های سازنده درک می‌شود.

چالش اصلی پیش روی این نشریه، دشواری تحقق «میان‌رشتگی حقیقی» است؛ مفهومی که غالباً به هم‌نشینی سطحی واژگان از رشته‌های گوناگون تقلیل می‌یابد، درحالی‌که میان‌رشتگی واقعی، مستلزم «زوجیت نظری/روشی» و «ترجمه مفاهیم میان زبان‌های نظری مختلف» است. از این‌رو، این نشریه با آگاهی از این دشواری معرفتی، از پژوهش‌هایی استقبال می‌کند که نه تنها به مسئله‌ای مشخص پاسخ گویند، بلکه بتوانند افق‌های نظری جدیدی برای فهم نسبت هنر، فرهنگ و رسانه با ساختارهای اجتماعی، سیاسی و دینی جامعه ایران به‌ویژه در دوران پرافتخار انقلاب اسلامی بگشایند.

در پایان، فرصت را مغتنم شمرده، مراتب امتنان و قدردانی صمیمانه خود را به پاس همکاری ارزشمند همکاران گرامی- نویسندگان شماره کنونی، داوران محترم، اعضای هیئت تحریریه اندیشمند و تمامی پژوهشگرانی که با نقدهای سازنده و همراهی خود، امکان حیات علمی این فصلنامه را فراهم می‌آورند - ابراز می‌دارم. همچنین از زحمات رئیس محترم و همکاران گرانقدر پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی که این بستر علمی و معرفتی را فراهم آوردند نیز تشکر می‌کنم. امید که این فصل‌نامه بتواند سهمی در توسعه مرزهای دانش فرهنگ، هنر و رسانه ایران عزیز ایفا کند و پاسخگوی دغدغه‌های نظری و عملی نسلی از پژوهشگران باشد که به دنبال فهم عمیق‌تر از پیوندهای متنوع در زیست‌جهان ایرانی‌اند.

شهاب اسفندیاری

سردبیر فصل‌نامه علمی هنر، فرهنگ و رسانه